

یادداشت

دیپلماسی اقتصادی ایران در آفریقا



علی مرتضوی شریف

کارشناس مسائل بین الملل

قاره آفریقا با منابع سرشار و غنی که در آن هست به عنوان سرزمین فرصت ها شناخته می شود که از دیرباز تاکنون مورد توجه قدرت های جهانی و محل رقابت آنها بوده است. آفریقا دومین قاره بزرگ و دومین قاره پرجمعیت جهان با ۱/۳۳ میلیارد نفر جمعیت است. آفریقا قاره ای با جمعیت جوان که حدود ۱۸ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می دهد. سیاست های اعلامی ایران همواره مبتنی بر گسترش روابط اقتصادی ایران و آفریقا بوده است که به همین منظور روز گشته اجلاس همکاری های ایران و آفریقا با حضور رئیس جمهور ایران و برخی مقامات کشورهای آفریقایی آغاز به کار کرد. اجلاسی که نحوه برگزاری آن نشان داد، ایران راهی بسیار طولانی در رسیدن به نقطه مطلوب در همکاری های خود با آفریقا دارد. در نظر بگیرید در اجلاسی که عنوان همکاری ایران و آفریقا را دارد، کشورهای غیرآفریقایی اعم از آسیایی، اروپایی و آمریکایی دعوت شده بودند در حالی که خیلی از آنها مانند انگیس، ترکیه، امارات، روسیه، عربستان، کره جنوبی، استرالیا، نروژ و... رقیب باالفعل ایران در قاره آفریقا هستند. از آن بدتر جایی بود که مدیرعامل یکی از شرکت های مهم پتروشیمی در حضور مهمانان آفریقایی به معرفی رقبای ایران در بازار اوره آفریقا پرداخت؛ گویی برخی مدیران شرکت های دولتی و خصوصی الفبای تجارت را هم نمی دانند، آن هم در شرایطی که قدرت های جهانی با سرعت بسیار در حال ایجاد زیرساخت و مستحکم کردن روابط خود در آفریقا هستند. برای این اجلاس فقط معاون رئیس جمهوری زیمبابوه، وزیر تجارت تونس، وزیر صنعت و معدن بوركینافاسو و معاون وزیر کشاورزی سیرالئون به عنوان مقامات ارشد دولت های آفریقایی شرکت کردند و جای خالی نماینده دولت هایی که ۱۰ اقتصاد برتر آفریقا هستند کاملاً جای تعجب داشت! پایین بودن سطح شرکت کنندگان کشورهای آفریقایی از ضعف دیپلماسی اقتصادی ایران در این قاره نشان دارد که باید در این باره بازنگری اساسی در راهبردهای فمابین انجام شود. طبعاً خروجی قاره آفریقا باعث می شود تا اقتصاد ایران در آفریقا خود را در حجم تجارت ایران با آفریقائشان می دهد که اکنون تنها سه درصد از صادرات و یک درصد از واردات کشور را تشکیل می دهد و به گفته وزیر صمت به حدود ۸۰۰ میلیون دلار محدود شده است. فقدان اطلاعات از ظرفیت های کلان اقتصاد قاره آفریقا باعث می شود تا وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران در افتتاحیه این اجلاس با نگاه خوش بینانه و با افتخار از برنامه ریزی برای رسیدن به سقف سالانه ۱۰ میلیارد دلار حجم تجارت با دومین قاره پر جمعیت جهان خبر بدهد، در حالی که سال گذشته فقط حجم تجارت ایران و عراق ۱۲ میلیارد دلار بوده است. در سال های اخیر و با افول قدرت های سابق استعماری، قدرت های نوظهوری مانند چین، هند، ترکیه و امارات توانسته اند با راهبرد صحیح مبتنی بر شناخت در پرتو رشد اقتصادی سریع برخی کشورهای آفریقایی سهم مناسبی از این بازار را به دست آورند. اتحادیه اروپا به دلیل روابط تاریخی و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، معادن، و انرژی های تجدیدپذیر، جایگاه مهمی در تجارت آفریقا دارد. هند با تمرکز بر واردات منابع طبیعی (نفت، الماس، و فلزات) و صادرات محصولات دارویی و فناوری اطلاعات، به یکی از شرکای کلیدی آفریقا تبدیل شده است. حجم مبادلات هند با آفریقا در سال های اخیر به ۱۰۰ میلیارد دلار نزدیک شده و توافق های آزری مستقیم (استفاده از روبیه) برای کاهش وابستگی به دلار نیز گسترش یافته است. آمریکا در حوزه انرژی ا به ویژه نفت و گاز و فناوری با کشورهای مانند نبراق، آفریقای جنوبی و آفریقای شمالی همکاری می کند. پروژه های امنیت غذایی و مقابله با تغییرات اقلیمی نیز بخشی از تعاملات اخیر آمریکا با آفریقا است. روسیه با تمرکز بر فروش تسلیحات، همکاری های اتمی و مشارکت در پروژه های معدنی (مانند الماس و طلا) با کشورهای مانند مصر، آفریقای جنوبی، و سودان همکاری می کند. جنگ اوکراین و تحریم ها علیه نفت و گاز روسیه به همکاری های اقتصادی روسیه و آفریقا سرعت داد به نحوی که روس ها با سیاست گذاری در حوزه انرژی، آفریقا را به یکی از بازارهای مهم خود در حوزه انرژی تبدیل کرده اند. در همین منظور استفاده از مکانیسم های غیردلاری (مانند روبل) نیز در مبادلات اخیر افزایش یافته است. قدرت های جهانی به سرعت در حال انحصاری کردن و گسترش حضور خود در بازار آفریقا هستند و این در حالی است که تجارت ایران با آفریقا در سال ۱۴۰۲ با کاهش ۵۰ درصدی روبه رو شد. سخنگوی کمیسیون توسعه تجارت خانه صنعت، معدن و تجارت با اشاره به حجم ۱۲۰۰ میلیارد دلاری تجارت خارجی قاره آفریقا معتقد است سهم ناچیز ایران از بازار آفریقا که حدود یک هزارم حجم تجارت خارجی این قاره است به ضعف زیرساخت های ارتباطی ایران باز می گردد. سیاست گذار دیپلماسی اقتصادی ایران برای طراحی یک برنامه اقتصادی تجاری که ایران بتواند در قاره آفریقا اجرا کند، باید به چند عامل کلیدی توجه کند: نیازهای بازار آفریقا، توانمندی های اقتصادی ایران، راهبردهای همکاری برد- برد و چالش های سیاسی و اقتصادی. همچنین سیاست گذار دیپلماسی اقتصادی ایران در تدوین برنامه پیشنهادی برای توسعه اقتصادی در آفریقا بایستی پنج محور اصلی را در نظر بگیرد: توسعه صادرات غیرنفتی به آفریقا، سرمایه گذاری مشترک در زیرساخت ها، انتقال فناوری و آموزش نیروی انسانی، توسعه همکاری های بانکی و مالی و تقویت دیپلماسی اقتصادی و حضور در اتحادیه های آفریقایی. شدر نهایت امیدواریم که متولیان و سیاست گذاران دیپلماسی اقتصاد در حوزه آفریقا بتوانند با نگاهی هوشمندانه برنامه ای را تدوین کنند که با دیپلماسی فعال، ایران عزیز جایگاه خود را به عنوان یک شریک اقتصادی کلیدی در آفریقا تثبیت کند.

امیرعلی ابوالفتح در گفت وگو با «آرمان ملی»:

فشار تندروها بر مذاکرات

از تهران تا واشنگتن



ممکن است ویتکاف از مذاکره با ایران کنار گذاشته شود

دولت ترامپ جمع بندی دقیقی درباره مذاکره با ایران ندارد



آرمان ملی- احسان انصاری: در حالی که قرار بود روز شنبه مذاکرات ایران و آمریکا در رم برگزار شود اما به یکباره همه چیز تغییر کرد و مذاکرات بنا به دلایل نامعلومی که وزیر خارجه عمان آن را آماده نبودن شرایط لجستیکی خواند به تعویق افتاد. این در حالی است که برگزاری دور بعدی مذاکرات در هاله ای از ابهام قرار دارد و حتی ممکن است مذاکرات در همین نقطه متوقف شود. اتفاق مهم اما در کابینه ترامپ رخ داد که تعارض بر سر ایران در روزهای پایانی هفته گذشته بالا گرفت به شکلی که ترامپ ناچار شد والتز مشاور امنیت ملی آمریکا که چهره ای ضد ایرانی بود را برکنار کند. نکته دیگر اینکه انتقادات به ویتکاف مذاکره کننده آمریکا با ایران در روزهای اخیر افزایش

پیدا کرده و این احتمال وجود دارد که با جایگزینی ویتکاف به جای والتز معادلات پیرامون مذاکرات با ایران به شکل دیگری رقم بخورد. رسانه ها و افراد رسانه ای نزدیک به رئیس جمهور آمریکا اما می گویند دو گروه در حال تلاش هستند تا مذاکرات با ایران را از ریل خود خارج کنند و واشنگتن را به سمت دیگری با ایران سوق دهند. از دیدگاه این رسانه ها «عوامل موساد» و «جنگ افروزان» در حال فشار آوردن به دولت ترامپ برای درگیری با ایران هستند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی شرایط پیچیده مذاکرات ایران و آمریکا با دکتر امیرعلی ابوالفتح تحلیلگر روابط بین الملل گفت وگو کرده که در ادامه می خوانید.

در مذاکرات اخیر بازیگران دیگری غیر از ایران و آمریکا نقش دارند. این بازیگران شامل برخی کشورهای اروپایی و کشورهای منطقه می شود که هر کدام دغدغه های متفاوتی نسبت به مذاکرات دارند

گرفته شود. به هر حال هر مذاکره ای فراز و نشیب دارد و براساس شرایط ممکن است معادلات مذاکره تغییر کند. واقعیت این است که هم ایران و هم آمریکا دنبال این هستند که به توافق برسند. این در حالی است که در شرایط کنونی رسیدن به توافق با چالش هایی مواجه است. اگر حتی روز شنبه نیز دور چهارم مذاکرات برگزار می شد ما نمی توانستیم عنوان کنیم که توافق در دسترس است. در مذاکراتی اخیر بازیگران دیگری غیر از ایران و آمریکا نقش دارند. این بازیگران شامل برخی کشورهای اروپایی و کشورهای منطقه می شود که هر کدام دغدغه های متفاوتی نسبت به مذاکرات دارند. به همین دلیل نیز دولت آمریکا در حال تحلیل و بررسی این دیدگاه هاست تا در نهایت به یک جمع بندی برسد. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که در دولت ترامپ نیز هنوز جمع بندی دقیقی از اینکه قرار است درباره ایران چه تصمیم گرفته شود وجود ندارد.

بحث درباره نقش آفرینی ویتکاف در مذاکرات آینده افزایش پیدا کرده و برخی عنوان می کنند وی ممکن است به جای والتز به سمت مشاور امنیت ملی آمریکا منصوب شود. در چنین شرایطی آیا وی همچنان به عنوان مذاکره کننده آمریکا با ایران حضور خواهد داشت؟

نمی توان درباره این موضوع به صورت دقیق اظهار نظر کرد و بلکه همه چیز در این زمینه به تصمیم ترامپ باز می گردد. از سوی دیگر دیدگاه حلقه اطراف ترامپ نیز در این زمینه موثر است. واقعیت این است که فشارها روی ویتکاف زیاد شده است. به همان میزان که احتمال گشایش هایی در مذاکرات وجود داشته باشد به همان اندازه فشار جریان ضد ایرانی در کابینه ترامپ علیه ویتکاف افزایش پیدا می کند. این وضعیت درباره تصمیم گیری در

آن چیزی که پایداری توافق را تضمین می کند این است که طرفین توافق در ماندن در توافق متتفع شوند و با خروج از آن توافق برای کشوری که می خواهد از آن خارج شود هزینه بر باشد

علی اکبر فرازی مطرح کرد:

کم شدن یک تندرود در ساختار تصمیم گیری آمریکا به نفع خودشان است

طبیعتاً حق دارد برای مصرف صلح آمیز خود با نظارت آژانس به غنی سازی ۶۷.۳ دست بزنند. این محل اختلاف است که در مباحث اتمی مشخص خواهد شد. این دیپلمات با سابقه با طرح این پرسش که چرا یک دفعه صداهای متعدد از آمریکا به گوش می رسد، عنوان کرد: نظر من این است که جناح هایی از آمریکا تحت تأثیر القانات تندروها و مشخصاً خط اسرائیلی ها قرار می گیرند و آن ها سعی می کنند که مذاکرات به نتیجه نرسد. بنابراین این خود ما

گفت: به نظر می رسد صداهای مختلفی از واشنگتن به گوش می رسد و هر جناحی در واشنگتن می خواهد حرف خود را به کرسی بنشاند. ایران نمی تواند اصل غنی سازی را کنار بگذارد، اما با درصد غنی سازی ۳.۶۷ موافقت کرده است. آمریکایی ها قبلاً با این سطح غنی سازی موافقت کرده بودند، اما اخیراً صداهای دیگری به گوش می رسد و بحث عدم دستیابی ایران به هر نوع غنی سازی مطرح شده است. در حالی که وقتی کشوری عضو NPT است،

دوشنبه
۱۴۰۲/۰۲/۱۵
۷ ذی القعدة ۱۴۴۶ هـ / ۲۰۲۵

سال هشتم
شماره ۲۹۹۹
armanmeli.ir

تلنگر

ایران و آمریکا به نقطه تفاهم نزدیک شده اند؟

روز ۲۶ آوریل شاهد برگزاری سومین دور از مذاکرات میان ایران و ایالات متحده در مسقط، پایتخت عمان بود؛ نشست که برخلاف دو دور پیشین، این بار با نشانه هایی روشن از پیشرفت همراه شد. طرفین نه تنها با لحنی به مراتب امیدوارانه تر پای میز آمدند، بلکه برادره مشترک خود برای ادامه و گسترش گفت وگوها تأکید کردند. درمدت زمانی کوتاه، فضای ارتباطی میان تهران و واشنگتن دستخوش تحولی چشمگیر شده است؛ تا جایی که اکنون آشکارا می توان گفت دو کشور، حتی بیش از دوره مذاکرات ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ که به توافق تاریخی وین ختم شد، برای دستیابی به تفاهمی تازه مصمم و آماده هستند. از نگاه واشنگتن، موفقیت در این مذاکرات مترادف با مهار ایران در مسیر دستیابی به سلاح هسته ای است؛ هدفی استراتژیک که برای دولت ایالات متحده اهمیت حیاتی دارد و فراتر از یک دغدغه دیپلماتیک، به مسئله ای امنیتی تبدیل شده است. در سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران با امید به کاهش تحریم هایی که ستون های اقتصاد کشور را تحت فشار قرار داده اند، این گفت وگوها را فرصتی برای گشودن روزنه ای تنفسی و آغاز بازسازی می بیند. در این میان، تحلیلگران و کارشناسان غربی با لحنی هشدارآمیز بر این نکته تأکید می کنند: «اگرچه چنین مؤلفه هایی همواره در متن معادلات دیپلماتیک حضور داشته اند، اما سطح تهدیدات امروز به مراتب فراتر رفته است. برنامه هسته ای ایران اکنون به نقطه ای رسیده که کشور را در آستانه عبور از مرزهای برگشت ناپذیر قرار می دهد. در چنین شرایطی، هرگونه شکست در مسیر گفت وگوها می تواند چراغ سبزی برای سناریوهای تهاجمی تر را روشن سازد.»

نه به مدل لیبی، نه به سلاح

ایالات متحده نیز درگیر کشمکش هایی درون ساختاری بر سر مسیر مذاکرات هسته ای است؛ هرچند تعهد کلی دولت دونالد ترامپ به تداوم گفت وگوها همچنان به قوت خود باقی است. در این میان، به نظر می رسد انتصاب «مایکل آنتون» به عنوان مسئول تیم فنی مذاکره کننده آمریکا، توازن نیروها را به سود حامیان توافق در ساختار دولت تغییر داده است. آنتون، هرچند دیپلمات حرفه ای به شمار نمی رود، اما یکی از چهره های شاخص جریان محافظه کار آمریکاست و ریاست یک مرکز مطالعاتی وابسته به وزارت خارجه را بر عهده دارد. او نماینده جناحی در تیم ترامپ است که نگاهی انتقادی به مداخلات نظامی آمریکا در خاورمیانه دارد و بر اتخاذ رویکردی محتاطانه تر در سیاست خارجی تأکید می کند. به نظر می رسد این انتصاب، علاوه بر هم سویی ایدئولوژیک، بازتابی از اعتماد شخصی ترامپ به آنتون نیز باشد. در سطح منطقه ای، اسرائیل همچنان با نگرانی نگران به روند مذاکرات میان ایران و ایالات متحده می نگرد. آنچه تفاوتی معنادار با دور پیشین مذاکرات ایجاد کرده، حمایت آشکار و صریح کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از روند مذاکته گفت وگوهاست؛ تغییری مهم که نشانه ای از چرخش بنیادین در رویکرد منطقه ای نسبت به دیپلماسی هسته ای تلقی می شود و از پذیرش روزافزون مسیر مصالحه حکایت دارد.

سه سناریوی برای توافق

متیو کرونینگ، کارشناس ارشد مسائل بین الملل و تحلیلگران برجسته فارن پالیسی، بر این باور است که به رغم تمام پیچیدگی ها و تردیدهای سیاسی، بهترین گزینه همچنان رسیدن به توافقی مذاکره شده و قابل نظارت است. کرونینگ سه سناریوی مشخص را برای شکل گیری توافقی جدید میان ایران و ایالات متحده برمی شمرد. سناریوی نخست: احیای برجام؛ نقطه آغاز بسیاری از گفت وگوها درباره آینده دیپلماسی هسته ای با ایران. توافق سال ۲۰۱۵ با همان برجام است؛ توافقی که در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما میان ایران و آمریکا قدرت های جهانی منعقد شد. با این حال، این توافق از همان ابتدا از منظر واشنگتن، به ویژه موسوم به «بندهای غروب آفتاب» بود؛ مفادی که به تدریج محدودیت های اعمال شده بر برنامه هسته ای ایران را لغو می کردند و عملاً این توافق را به یک راه حل موقت تقلیل می دادند. هرچند نسخه ای به روز شده از برجام با تمديد اين بندها تا سال ۲۰۴۰ ممکن به نظر می رسد، اما ماهیت این توافق موقتی است و به جای مسدود کردن مسیر دستیابی ایران به سلاح هسته ای، تنها آن را به تعویق می اندازد. سناریوی دوم: غنی سازی صفر؛ در نقطه مقابل طیف حامیان برجام، گزینه ای حد اکثری و سخت گیرانه قرار دارد که بر پایه اصل «غنی سازی صفر» استوار است؛ مدلی که در آن، ایران باید به طور کامل برنامه غنی سازی ا اورانیوم خود را تعطیل کند، اما همچنان مجاز به ادامه فعالیت های غیرنظامی در حوزه انرژی هسته ای، از جمله بهره برداری از راکتورهای برق یا انجام تحقیقات صلح آمیز برای می ماند. سناریوی سوم: توافق نامه طولانی تر و قوی تر؛ اگر بازگشت به برجام از سوی دو طرف مردود تلقی شود و سناریوی سخت گیرانه «غنی سازی صفر» نیز به بن بست برسد، تنها گزینه باقی مانده، نسخه ای میانه و واقع گرایانه از یک توافق جدید است.

را هوشیار می کند که اولاً هر دو طرف باید هوشیار باشند که به مذاکرات سرعت بدهند و در ثانی، وقتی روی اصول اساسی توافق کردند، روی جزئیات زیاد وقت کشی نکنند. به نظر می رسد که گذشته از اسرائیلی ها، اکنون اروپایی ها هم با دلخوری از اینکه چرا در جریان قرار نگرفته اند، سعی می کنند با استفاده از موقعیت گروسی بر مواضع ویتکاف و دیدگاه های قبلی آمریکایی ها تأثیر بگذارند. آنها هم به نحوی سعی می کنند که حرف خود را به کرسی بنشانند و نگذارند که این توافق به این سرعت جامعه عمل بپوشد. وی در خصوص رفتن والتز و اینکه چه تغییری در روند مذاکرات ایران و آمریکا ایجاد می کند بیان کرد: سخت است و باید دید نفر بعدی چه خط مشی را ایجاد می کند، اما به هر حال، رفتن یک تندرود و کم شدن یک تندرود به نفع آمریکایی ها نیز هست.